

متن پرسش

بدا به حال ملتی که حقوق مجلس، دولت و عدالتخانه اش ده برابر کارگر و کارمند ساده اش باشد (خود خود حقوق را می‌گم نه همه حقوق و مزایا و پاداش و بندهای عجیبش را. دریافتی را نمی‌گم. اون که ترجیح میدیم اصلا باور نکنم) بدا به حال انقلاب محرومین که حقوق وزرای دولتمردانش ۱۰۰ برابر از مستمری کمیته امدادی هایش بیشتره. از مستمری زنان بی سرپرست و مردان علیش. می‌گفتم حقوق مسئولین «نظام اسلامی» باید کمتر از مردم عادی و کارگر و کارمند ساده باشد، حال کم کم به حقوق و مزایای مساوی خودم را راضی می‌کنم هر چند برخلاف قرآن است. بیشتر که هیچ. چرا باید بیشتر؟ بیشتر را نمی‌توانم بپذیرم همچنان هنوز. کجاست مجلسی که نمایندگانش بگویند وقتی قراره حقوق کارمند و کارگر و بازنشسته ۵ تا ۱۰ درصد اضافه بشه حقوق ما را کمتر از ۱۰ درصد اضافه کنید نه ۵۰ درصد. حقوقی که همین الان هم حداقل ۳۰۰ درصد از کارگر و کارمند بیشتره. کجاست دولتی که وزرا و معاونینش بگویند وقتی مستمری کمیته امدادی‌ها به زور به ۲۵۰ تومن میرسه، حقوق بیش از ۲-۳ میلیون به ما ندهید. ندهید. کجایند مسئولینی که معنی حقوق ۱/۴۰۰ یا ۱/۲۰۰ کارمند و کارگر ساده را بفهمن و فقط سه برج با آن زندگی کنند. فقط ۳ ماه. انقلاب محرومین، انقلاب محرومین، انقلاب محرومیت و مستضعفین یا دوشیدن میلیون‌ها محروم به نفع چند هزار مسئول پدرسوخته‌ی راحت طلب رفاه زده‌ی منطقه‌ی یک تهرون نشین. بیایید همه با هم برای این انقلاب و نظام فاتحه ای بخوانیم مع الصلوات. پ.ن ۱: «تراز انقلاب» آن گونه که من از تفسیر قرآن، تدبیر در سیره معصومین، صحیفه خمینی و دل رهبری می‌فهمم بالاتر قرار دادن حقوق کارگر و کارمند ساده از رئیس و وزیر، معاون و مدیرکل است. پ.ن ۲: تراز انقلاب یعنی مسئولیت ضمن محرومیت از تمامی مزایای عادی و فوق عادی عوام و خواص در تمام دوران مسئولیت و پس از آن پ.ن ۳: «تراز انقلاب» یعنی وزیر با پایه حقوق کارگری.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! این معضلی است که متأسفانه با روحیه‌ی آقای هاشمی رفسنجانی به پای انقلاب گذاشته شد وقتی بحث حق جذب را برای مسئولان مطرح کرد. راه حل مشکل هم تنها این است که بر مبنای انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن کار را به مسیر اصلی برگردانیم، وگرنه هر راه دیگری همین است و بدتر از این. موفق باشید